

رابطه سبک‌های دلبستگی و کمال‌گرایی والدین با خودپنداره فرزندان

سمیه غنیمتی^۱، ربابه نوری^۲

^۱ کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی.

^۲ استادیار روان‌شناسی بالینی دانشگاه خوارزمی.

نام نویسنده مسئول:

سمیه غنیمتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۴

چکیده

مقدمه: دلبستگی در ابتدا توسط جان بالبی روانکاو انگلیسی ابداع شد. وی متأثر از آموزه‌های کردارشناسی و روانکاو سنتی، دلبستگی را به‌عنوان مهم‌ترین رفتار قابل مطالعه در کودکان عنوان کرد. هدف این مطالعه، تعیین سهم دلبستگی (ایمن و نایمن) و کمال‌گرایی (مثبت و منفی) والدین با خودپنداره فرزندان است. روش‌شناسی: بدین منظور برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی هازن و شیور (AAQ)، کمال‌گرایی فراست (FMPS)، خودپنداره سارا سوت (SCQ) استفاده شد. تعداد ۳۶۰ نفر از دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه شهرستان قم به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب گردیدند. یافته‌ها: همبستگی نتایج با استفاده از رگرسیون نشان داد کمال‌گرایی والدین پیش‌بین خودپنداره فرزندان است و سبک‌های دلبستگی والدین نتوانست خودپنداره فرزندان را پیش‌بینی کند. همچنین نتایج نشان داد کمال‌گرایی مثبت والدین با خودپنداره فرزندان همبستگی مثبت و کمال‌گرایی منفی والدین با خودپنداره فرزندان همبستگی منفی دارد و نیز سبک دلبستگی ایمن والدین با خودپنداره فرزندان همبستگی مثبت و سبک نایمن والدین با خودپنداره فرزندان همبستگی منفی دارد که با واریانس ۰/۸۱ تبیین شد. نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به نظر می‌رسد در دوره نوجوانی متغیرهای دیگری هم بر خودپنداره فرزندان تأثیر می‌گذارد که نیاز به پژوهش‌های بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: دلبستگی، کمال‌گرایی، خودپنداره.

مقدمه

خانواده نخستین محمل تربیتی کودک و اساسی‌ترین عامل در شکل‌گیری شخصیت او است. والدین معمار اصلی شخصیت کودک و نوجوان می‌باشند. نگرش‌ها و روش‌های تربیتی والدین، اثرات شگرفی در شخصیت و خودپنداره^۱ کودکان بر جای می‌گذارد. خودپنداره تعیین‌کننده روابط مادی و معنوی و فردی و اجتماعی است زیرا خودپنداره اساس ارزیابی فرد از خود و جهان پیرامونش را تشکیل می‌دهد. به تدریج که کودک رشد می‌کند، نسبت به دایره‌های دیگران درباره خود توجه بیشتری نموده، خودپنداره او بازتابی از ارزیابی‌های دیگران می‌شود. خودپنداره ما برداشتمان از خود و ارزشیابی از توانمندی‌های خویش است. این ارزشیابی ممکن است مانند درجه‌بندی کردن خویش بر طبق ذهنیت‌های گوناگون ما، برداشتهایی از خوب و بد، هوشمند و غیرهوشمند، توانا، ناتوانا، بلند، کوتاه و... باشد. خودپنداره آموختنی است و این موضوع برای فرد و برای کسانی که مسئول آموزش و پرورش او در زندگی هستند ارزش فراوانی دارد (کلی^۲، ۱۹۷۵). روانشناسان مفهوم خود را به روش‌های گوناگون تعریف کرده‌اند: کارل راجرز^۳ پدیده «خود» را چنین تعریف می‌کند: «طرز پندار یا تصور نسبتاً دائمی هر فرد درباره ارزشی که او برای خود قائل می‌شود و رابطه این ارزش با خود واقعی او» (شاملو، ۱۳۸۵). کوپر اسمیت^۴ (۱۹۷۴) خودپنداره را عامل ارزشمندی در ایجاد نوع رفتار می‌داند و باور دارد افرادی که خودپنداره مثبت دارند رفتارشان اجتماع‌پسندتر از کسانی است که خودپنداره آنها منفی است (به نقل از کلی، ۱۳۷۵). همه ما به عنوان افراد بشر دارای این نیاز اساسی هستیم که خود را به عنوان افرادی مستقل بشناسیم. به سخن دیگر وجود خودپنداره روشن و نسبتاً پایدار نیاز اساسی در مراحل گوناگون زندگی هر فرد به شمار می‌رود. در میان این مراحل نوجوانی مرحله‌ای منحصربه‌فرد است زیرا عبور از کودکی به نوجوانی است و تحولات گوناگون در این مرحله گویای حساسیت آن است. از این رو شناخت صحیح خودپنداره و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن برای نوجوان امری مهم تلقی می‌شود که ضمن تأثیرگذاری بر روابط خانوادگی نوجوان می‌تواند نقش اساسی در دوران تحصیل و نحوه ارتباط او با اطرافیان و محیطش داشته باشد؛ بنابراین در پژوهش حاضر سهم دلبستگی و کمال‌گرایی والدین در خودپنداره فرزندان بررسی شد. در پژوهش انجام‌شده در این زمینه، رایس^۵ میرزاده و بشارت نشان دادند که دلبستگی ایمن با کمال‌گرایی بهنجار و دلبستگی نایمن با کمال‌گرایی نورویتیک همبستگی دارد (بشارت، همکاران، ۱۳۸۶). طبق نظر هورنای^۶ فرد کمال‌گرا راه‌حل همه مشکلاتش را که تاکنون برای او به وجود آمده در تخیل جستجو می‌کند؛ یعنی به این شیوه موفق می‌شود که نخست خود را برجسته‌تر و برتر از دیگران ببیند و احساس کوچکی و حقارت خود را آرامش بخشد و در تخیل تضادهای خود را حل کند. دگرگونی‌های سریع و پیچیده جوامع انسانی به‌مرورزمان بر شیوه‌های فرزندپروری انسان‌ها اثری اساسی بر جای گذاشته است و خانواده‌ها اکنون تلاش می‌کنند فرزند خود را از همان اوان کودکی برای بردن سبقت از همسالان آماده کنند. این شیوه تربیتی سبب شده است که فرزندان زمانی خود را با ارزش بدانند که مورد تأیید والدین خود قرار گیرند و چون تأیید والدین و دیگران نقش اساسی در ساختار شخصیتی افراد دارد، می‌کوشد تلاش خود را دوچندان کنند تا به انتظارات آنان پاسخ مثبت دهند، گاهی اوقات همین حساسیت و توجه بیش‌ازاندازه والدین بر برخی عوامل شخصیتی و روان‌شناختی فرزندان اثر می‌گذارد.

مبانی نظری و پیشینه

نظریه دلبستگی در ابتدا توسط جان بالبی روانکاو انگلیسی ابداع شد. وی متأثر از آموزه‌های کردارشناسی و روانکاو سنتی، دلبستگی را به عنوان مهم‌ترین رفتار قابل مطالعه در کودکان عنوان کرد. بالبی مشاهده کرد که کودکان به‌منظور جدا نشدن از والدین یا برقراری مجدد نزدیکی با آنها، رفتارهای گوناگونی را از خود نشان می‌دهند برای مثال (گریه کردن، چسبیدن، بی‌قراری کردن). در آن زمان متخصصین روانکاو بر این اعتقاد بودند که این گونه رفتارها تظاهرات مکانیزم‌های دفاعی نابالغی هستند

¹-Self-concept

²-Celly

³-Carl Rogers

⁴-Cooper Smith

⁵-Rice

⁶-Horney

که برای سرکوبی درد هیجانی به کار گرفته می‌شوند (بالبی، ۱۹۹۳). بالبی متوجه شد که این رفتارها در گونه‌های مختلف پستانداران نیز دیده می‌شوند. بنابراین به طرح این فرضیه پرداخت که این رفتارها احتمالاً از لحاظ تکاملی نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. بالبی معتقد بود که انسان همانند بسیاری از موجودات زنده، یک سیستم بیولوژیکی دلبستگی دارد که به محض رویارویی با خطرات داخلی و خارجی فعال می‌شود. اگر در این زمان منابع فرد برای حذف خطر کافی نباشد، پدیده‌ای بنام رفتارهای دلبستگی ظاهر می‌شود. کودکان بر مبنای کیفیت تجربه‌ای که از دلبستگی اولیه دارند، از دنیا اشخاص و خود، الگوهایی می‌سازند که بالبی این الگوها را الگوی کارکرد درونی می‌نامد. این الگوی کارکرد درونی رفتار کودک را هدایت خواهد کرد. کودک بر مبنای این الگوها، رفتار دیگران را پیش‌بینی کرده و اساندهای انگیزی می‌سازد. این الگوها تغییرناپذیرند و تجارب بعدی در پرتو تجارب قبلی تفسیر می‌شوند (بالبی، ۱۹۹۰). جان بالبی که اولین بار دیدگاه کردارشناختی دلبستگی را در مورد پیوند نوباوه - مراقبت‌کننده مطرح کرد، از تحقیقات لورنز^۷ در مورد نقش‌پذیری بچه‌ها از الهام گرفت که معتقد بود بچه‌ی انسان مانند بچه‌ی حیوانات از یک رشته رفتارهای فطری برخوردار است که به نگه‌داشتن والد نزدیک او کمک می‌کند و احتمال محفوظ ماندن بچه از خطر را افزایش می‌دهد. در ضمن، تماس با والد، تضمین می‌کند که بچه تغذیه خواهد شد؛ اما بالبی محتاطانه اشاره کرد که تغذیه، مبنای دلبستگی نیست. در عوض، پیوند دلبستگی، خودش مبنای زیستی قدرتمندی دارد و می‌توان آن را در بستر تکاملی بهتر شناخت، بستری که بقای گونه در آن اهمیت بسیار زیادی دارد. به عقیده بالبی رابطه‌ی نوباوه با والد، به صورتی که رشته علائم فطری آغاز می‌شود که والد را به طرف نوباوه می‌کشاند. به مرور زمان، پیوند عاطفی صمیمی ایجاد می‌شود، که توانایی‌های جدید شناختی و هیجانی، به‌علاوه‌ی تاریخچه‌ی مراقبت صمیمانه و پذیرا، از آن حمایت می‌کند. دیدگاه بالبی، بیان می‌کند که نظام دلبستگی در سطوح گوناگونی از برانگیختگی عمل می‌کند. گاه کودک نیاز شدیدی به ماندن در کنار مادر دارد و گاه اصلاً چنین نیازی پیدا نمی‌کند. هنگامی که کودکان نوبا مادر را به‌عنوان پایگاهی امن برای کاوش‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهند، سطح فعال شدن آن‌ها نسبتاً پایین است. البته کودک هرازگاه از حضور مادر مطمئن می‌شود و حتی ممکن است گاه مجدداً نزد او بازگردد؛ اما در کل، کودک می‌تواند به راحتی، با قدری فاصله از مادر، بازی کند و به کاوش اطراف خود بپردازد. (بالبی، ۱۹۸۸). بالبی تصریح می‌کند که یک پیوند دلبستگی اختصاصی و قطع نشده با یک شخص خاص، لازمه تحول سالم و غیرمرضی در فرد است و تجربه دلبستگی ایمن در کودک پایه و زیربنای کنش‌وری سالم روانی و ذهنی است. از سوی دیگر، یک رابطه دلبستگی نایمن در نهایت منجر به شخصیتی می‌شود که مشخصه آن بی‌اعتمادی، شکنندگی و مشکلاتی در زمینه‌های همدلی، حساسیت، رضایت و ارضاء هیجانی در روابط عاطفی نزدیک است (بالبی، ۱۹۷۳؛ به نقل از میکولینسر^۸، ۱۹۹۹). بر طبق نظریه بالبی زمانی که کودک تجسم‌های منفی از خود و دیگران را شکل می‌دهد، یا زمانی که راهبردهای غیرواقع‌بینانه‌ای را برای پردازش افکار و احساسات مربوط به دلبستگی اتخاذ می‌کند، در این صورت این فرد در مقابل آسیب‌های روانی بیشتر آسیب‌پذیر می‌شود (کسیدی^۹، ۱۹۹۹). به دنبال پژوهش‌های بالبی، اینسورث^{۱۰} و همکاران (۱۹۷۸) سه سبک دلبستگی ایمن، دلبستگی نایمن دوسوگرا و دلبستگی نایمن اجتنابی را تشخیص دادند. اینسورث این سه سبک دلبستگی مادر-کودک را جهان‌شمول دانسته است. وی به این نتیجه رسید که انسان به دلبستگی خود به پدر و مادر ادامه می‌دهد، خواه مطلوب بوده باشد یا نامطلوب (نافتل و شیور^{۱۱}، ۲۰۰۶).

اصل مسلمی که نظریه دلبستگی مطرح می‌نماید این است که روابط دلبستگی در دوران اولیه کودکی کلیه روابط دیگر انسان را در طول دوران زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطالعات طولی متعدد این عقیده را به‌طور تجربی مورد حمایت قرار داده و نشان داده است که کیفیت دلبستگی انسان به مدت طولانی روابط او با دیگران را تحت تأثیر قرار داده و در صورتی که دلبستگی ایمن در فرد تشکیل گردد منجر به احساس حمایت روانی در طول دوران رشد می‌گردد (کارلسون^{۱۲}، ۲۰۰۳). در اصل هدف نظریه دلبستگی، توضیح دادن آسیب‌شناسی روانی کودک و بزرگسال برحسب روابط نامناسب بین کودکان و مراقبان آنها یا نمادهای دلبستگی آنها است. بالبی خاطرنشان نموده است که وجود سبک‌های دلبستگی نایمن ممکن است در پدیدآیی آسیب‌شناسی

⁷-Lorenz⁸- Micholinsner⁹-Cassidy¹⁰-Ainsworth¹¹- Naftel&shaver¹²-Carlson

دوران بزرگسالی نقش ایفاء کند. (کسیدی و شیور^{۱۳}، ۱۹۹۹). اولین بار رنه دکارت^{۱۴} در سال ۱۶۴۴ اصول اولیه خویشتن پنداری را در کتاب اصول فلسفه با مطرح ساختن مقوله «شک» ارائه داد. پس از او زیگموند فروید^{۱۵} در سال ۱۹۰۰ میلادی تئوری خویشتن پنداری را به عنوان یک مقوله روان شناختی مهم مطرح نمود. باینکه دنباله روان فروید علاقه زیادی به این مقوله نشان ندادند ولی دختر فروید آنا در سال ۱۹۴۶ بر اهمیت این مقوله تأکید ورزید. کلیدر سال ۱۹۴۵ از مقوله خویشتن پنداری به عنوان یک نیروی اولیه انگیزیش در رفتار انسانی یاد نمود. رایمی^{۱۶} در سال ۱۹۴۸ از معیارهای خویشتن پنداری در مشاهده های خود استفاده کرد و اعلام نمود که روان درمانی اساساً بر روی تغییر دادن معیارهای بینش فرد نسبت به خودش استوار است. تاکنون مؤثرترین معیار روان شناختی در خصوص خویشتن پنداری مربوط به کارل راجرز در سال ۱۹۴۷ بوده است. از دیدگاه راجرز «خود» هر فرد به عنوان بخش اصلی، شخصیت فرد را تشکیل می دهد. راجرز «خود» را به عنوان یک محصول اجتماعی معرفی می کند که از طریق روابط بین فردی گسترش می یابد. او اعلام می کند که در وجود انسان همیشه یک تمایل قوی برای دارا بودن یک نگرش مثبت از سوی دیگران و خود فرد نسبت به خودش وجود دارد. بآنکه بیشتر تئوریسین های «خویشتن پنداری» در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ تحقیقات خود را اجرا نمودند، در حال حاضر توجه عمومی به خویشتن پنداری رو به کاهش نهاده است. ولی این مقوله هنوز به عنوان یک عامل بالنده در تحقیقات سردمداران علم روانشناسی مطرح می باشد. در حال حاضر موج نوینی در خصوص کسب آگاهی نسبت به خویشتن پنداری در عامه مردم و افراد متخصص در حال زایش است و این موضوع در ارتباط با مشکلات خانوادگی، اعتیاد به الکل و مواد مخدر و وضعیت اجتماعی افراد مطرح می شود. بسیاری از موفقیت ها و شکست هایی که مردم تجربه می کنند، به صورت تنگناگنگ به چگونگی دیدگاه آنها نسبت به خود و ارتباطشان با دیگران مربوط می شود. برای متخصصان علوم مشاوره، پدیده خویشتن پنداری از سه بعد مورد توجه است. یکی اینکه خویشتن پنداری امری قابل یادگیری است. دیگر اینکه امری سازمان یافته و پویا می باشد. هیچ فردی با خویشتن پنداری به دنیا نمی آید بلکه خویشتن پنداری به تدریج در اولین ماه های زندگی فرد بنیان گرفته و از طریق تجارب مکرر شکل می گیرد و به عنوان یک محصول اجتماعی از طریق تجربه بنیان می گیرد. نکته جالب اینکه افراد در زمانه های مختلف دارای نگرش های مختلفی نسبت به خودشان هستند. هرگونه تجربه ای در زندگی فردی که مطابق با خویشتن پنداری او نباشد، به صورت یک تهدید تلقی می شود و هر چه این تجارب ناخواسته بیشتر باشد کیفیت خویشتن پنداری فرد حالت منجمدتری به خود می گیرد تا بتواند از او محافظت نماید. خویشتن پنداری هر فرد به ثبات و همگونی در زندگی اش نیاز دارد و در مقابل تغییر مقاومت نشان می دهد. اگر خویشتن پنداری فرد به سرعت تغییر کند فرد فاقد یک شخصیت مقاوم و قابل اتکا خواهد شد. موفقیت ها و شکست های هر فرد بر روی کیفیت خویشتن پنداری او تأثیر می گذارد. دنیای اطراف هر فرد و موجودات درون آن در رابطه با خویشتن پنداری هر فرد ادراک می شود. در تمام زندگی فرد سالم، همیشه یک تمایل دائم برای پذیرش ایده های جدید و رفع ایده های قدیمی وجود دارد. خویشتن پنداری همیشه خودش را در مقابل از دست دادن عزت نفس محافظت می کند. برای همین است که هر فقدان سبب بروز اضطراب افراد خواهد شد. خویشتن پنداری به مفهوم برداشتی است که فرد نسبت به ماهیت فیزیکی و روان شناختی و ساختارهای اجتماعی خویش از قبیل نگرش ها، اعتقادات و ایده های خویش دارد. خویشتن پنداری به معنای درک افراد نسبت به خود در بعد زمان است. خویشتن پنداری به صورت مداوم در تعامل با دیگر افراد تعدیل یافته و تحت تأثیر عوامل دیگر از قبیل درون گرایی و برون گرایی و عزت نفس قرار می گیرد. (کالدرون^{۱۷}، ۱۹۹۷). نادری (۱۳۹۳) در مطالعه ای با عنوان "بررسی رابطه ی سبک های دلبستگی مادر با سازگاری دانش آموزان با توجه به میزان تحصیلات والدین" روی ۲۹۵ نفر از دانش آموزان به روش تصادفی خوشه ای (چند مرحله ای) از بین دبیرستان های دولتی ناحیه دو شهر کرمان انتخاب شدند ابزار تحقیق جهت سنجش دلبستگی شامل پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان استفاده کرد و دریافت ابعاد مختلف سازگاری از طریق سبک های دلبستگی تبیین و پیش بینی پذیر است، به طوری که با افزایش دلبستگی ایمن، سازگاری بیشتر شود. (نادری، همکاران، ۱۳۹۳). واحدی (۱۳۸۸) در مطالعه ای با عنوان "رابطه ی سبک های دلبستگی پدر و مادر با سازگاری هیجانی،

¹³-Cassidy&shaver¹⁴-Rene descartes¹⁵-Sigmund Freud¹⁶-Raymi¹⁷-Calderon

رفتاری و اجتماعی در دانشجویان غیربومی سال اول" از روش همبستگی مقطعی تعداد ۱۸۲ دانشجو (۹۱ دختر، ۹۱ پسر) با استفاده پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان را جهت تعیین دلبستگی بررسی نموده است؛ که نتایج آن عبارت است از: بین سبک‌های دلبستگی مثبت پدر و مادر (مؤلفه‌ی اعتماد و ارتباط) و سازگاری اجتماعی هیجانی دانشجویان رابطه‌ی مثبت معنی‌داری وجود دارد، اما بین سبک‌های دلبستگی منفی پدر و مادر (مؤلفه‌ی بی‌اعتنایی هیجانی) و سازگاری اجتماعی هیجانی رابطه‌ی منفی معنی‌داری مشاهده شد (واحدی، همکاران، ۱۳۸۸). آرمین در پژوهشی با عنوان "رابطه ابعاد کمال‌گرایی والدین با عزت‌نفس و خودکارآمدی فرزندان" در سال ۱۳۸۹ یک مطالعه بر روی ۱۲۰ نفر دانش‌آموز دختر و ۱۲۰ دانش‌آموز پسر در دوره متوسطه از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای با استفاده از پرسشنامه کمال‌گرایی فراست به نتایج زیر دست‌یافت. نتایج نشان داد که بین ابعاد کمال‌گرایی والدین با متغیر عزت‌نفس در بعد نظم و ترتیب مادر رابطه مثبت و معنادار و با انتقادات مادر و پدر نگرانی از اشتباهات پدر، رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. ابعاد کمال‌گرایی والدین با عزت‌نفس و خودکارآمدی فرزندان رابطه منفی معنی‌دار دارد (آرمین، همکاران، ۱۳۹۰). پروانه کریمی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با عنوان رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ادراک محبت والدین با اضطراب امتحان در دانش‌آموزان تیزهوش. نتایج پژوهش نشان داد بین سبک دلبستگی اضطرابی، سبک دلبستگی اجتنابی و ادراک محبت پدر با اضطراب امتحان در دانش‌آموزان تیزهوش دختر و پسر، رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ اما رابطه‌ی سبک دلبستگی ایمن و ادراک محبت مادر با اضطراب امتحان در دانش‌آموزان، معنادار نبود. در حالت کلی نیز نتایج نشان داد که سبک‌های دلبستگی و ادراک محبت والدین می‌توانند ۹ درصد تغییرات اضطراب امتحان را پیش‌بینی کنند و سبک دلبستگی اضطرابی و ادراک محبت پدر، توان پیش‌بینی اضطراب امتحان را دارند. گلبنی حقیقت‌امیر (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی رابطه کیفیت دلبستگی با سبک‌های فرزندپروری در والدین کودکان عادی و تیزهوش. این پژوهش باهدف بررسی رابطه کیفیت دلبستگی با سبک‌های فرزندپروری در والدین کودکان عادی و تیزهوش شهرستان رشت انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را والدین کودکان عادی و تیزهوش شهرستان رشت تشکیل می‌دهند که ۵۳۶ والد به‌عنوان نمونه و به‌صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند که به پرسشنامه‌های سبک‌های فرزند پروری بامریند و سبک‌های دلبستگی کولینز پاسخ دهند؛ داده‌های تحقیق با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس و رگرسیون تحلیل شدند. نتایج به‌دست‌آمده نشان دادند که میان کیفیت دلبستگی والدین کودکان عادی و تیزهوش و همچنین سبک‌های فرزند پروری والدین کودکان عادی و تیزهوش رابطه معناداری وجود دارد، همچنین از کیفیت دلبستگی والدین می‌توان سبک‌های فرزند پروری آنها را پیش‌بینی کرد. ارتباط بین متغیرهای روان‌شناختی بسیار پیچیده‌تر از آن است که در وهله نخست تصور می‌شوند، به این معنا که در ابتدا چنین به نظر می‌آید که هوش فرزندان ربطی به بین شیوه فرزند پروری و سبک دلبستگی والدین ندارد، اما با اندکی تأمل می‌توان روابط احتمالی را در نظر گرفت و از ارتباطات بسیار پنهان و پیچیده‌ای که بین متغیرها وجود دارد مدلی طراحی و توصیه کرد. دره کردی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی مادر با سازگاری دانش‌آموزان با توجه به میزان تحصیلات والدین. هدف این پژوهش، بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی مادر با سازگاری در دانش‌آموزان دختر پایه سوم دبیرستان‌های دولتی ناحیه دو شهر کرمان با توجه به میزان تحصیلات والدین آنان بود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از رگرسیون سلسله‌مراتبی، می‌توان بیان داشت که ابعاد مختلف سازگاری از طریق سبک‌های دلبستگی تبیین و پیش‌بینی پذیر است؛ به‌طوری‌که با افزایش دلبستگی ایمن، سازگاری بیشتر می‌شود. همچنین، سطح تحصیلات والدین در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری (به‌ویژه سازگاری اجتماعی و آموزشی) نقش معنی‌داری دارد؛ به‌طوری‌که با افزایش میزان تحصیلات، دلبستگی ایمن بیشتر می‌شود و سازگاری افزایش می‌یابد. پیشوا^{۱۸} در سال ۲۰۱۱ در مطالعه‌ای با عنوان رابطه سبک‌های دلبستگی و کمال‌گرایی مثبت و منفی که روی ۴۶۱ نفر (۲۰۴ پسر و ۲۵۷ دختر) با استفاده از مقیاس کمال‌گرایی و مقیاس دلبستگی بزرگسالان انجام داد. نتایج این مطالعه نشان داد که رابطه بین سبک‌های دلبستگی و کمال مثبت و منفی معنی‌دار است. علاوه بر این سبک دلبستگی ایمن مثبت با کمال‌گرایی مثبت و منفی و کمال‌گرایی منفی در ارتباط است. از سوی دیگر سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) با کمال‌گرایی مثبت همبستگی منفی و با کمال‌گرایی منفی مثبت است. (پیشوا و همکاران، ۲۰۱۱). لوال^{۱۹} سال ۲۰۰۹ در مطالعه‌ای

¹⁸-Pishva¹⁹-Lowell

با عنوان دلبستگی بزرگسالان رمانتیک و انواع کمال‌گرایی بر روی ۹۷ دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد با استفاده از مقیاس کمال‌گرایی و مقیاس دلبستگی بزرگسالان انجام داد نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که نمرات پیش‌بینی شده دلبستگی اضطرابی در مقیاس کمال‌گرایی خودارزیابی است اما در مقیاس کمال‌گرایی باوجدان نیست (لوال و همکاران، ۲۰۰۹).

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه، توصیفی - همبستگی است که به صورت میدانی انجام شده و درصدد تعیین همبستگی بین سبک‌های دلبستگی و کمال‌گرایی والدین با خودپنداره فرزندان بود. جامعه آماری دانش‌آموزان دختر مدارس دولتی قم و والدین مادر آنها در دوره متوسطه دوره اول دولتی است. ۳۶۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از دانش‌آموزان دخترانه دوره اول متوسطه، انتخاب شدند. این مطالعه با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد سبک‌های دلبستگی هازن و شیور، کمال‌گرایی فراست، خودپنداره سارا سوت می‌باشد.

مقیاس دلبستگی بزرگسالان: این مقیاس با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور ساخته شده و در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است. این پرسشنامه ۱۵ سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم تا خیلی زیاد) می‌سنجد. ضرایب آلفای کرونباخ در زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در نمونه دانشجویی شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر برای کل دانشجویان به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۵ و برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۴، ۰/۸۵، ۰/۸۶ گزارش شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است. ضرایب توافق کندانال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱، ۰/۵۷ و روایی آن در مطالعه بهادری خسروشاهی محاسبه شد (خسروشاهی، همکاران، ۱۳۸۹).

مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی فراست: در سال ۱۹۹۰ توسط فراست و همکاران بر پایه مدل چندبعدی کمال‌گرایی، ساخته شد. شامل شش مؤلفه است؛ که هر یک از گویه‌ها با طیف لیکرت (۱= کاملاً موافق تا ۵= کاملاً مخالف) اندازه‌گیری می‌شوند. رم (۲۰۰۵) دو بعد دیگر کمال‌گرایی مثبت و منفی را در FMPS شناسایی کرد و نتیجه گرفت که از جمع ۴ زیر مقیاس نگرانی افراطی درباره اشتباهات (CM)، درک شخص از انتقادات والدین (PC)، درک شخص از انتظارات والدین (PE)، تمایل به شک و تردید (DA)، کمال‌گرایی منفی به دست می‌آید و از جمع ۲ زیرمقیاس گرایش به نظم و سازمان‌یافته بودن (O) و معیارهای عملکرد شخصی (PS) کمال‌گرایی مثبت به دست می‌آید. نمره کمال‌گرایی کل از مجموع پنج زیر مقیاس از شش زیرمقیاس به‌استثنای زیرمقیاس نظم به دست می‌آید (رم، ۲۰۰۵). FMPS دارای همبستگی بالایی با سایر مقیاس‌های کمال‌گرایی به‌ویژه مقیاس کمال‌گرایی برنز (۱۹۸۰)، مقیاس کمال‌گرایی EDI (گارنر و همکاران، ۱۹۸۳)، فراست و همکاران (۱۹۹۰)، ضریب آلفای کرونباخ برای کمال‌گرایی کل را ۰/۹۰ و برای خرده مقیاس‌های نگرانی از اشتباه ۰/۸۸، انتظارات والدین ۰/۸۴، انتقاد والدین ۰/۸۴، شک و تردید در عمل ۰/۷۷، معیارهای شخصی ۰/۸۳ و سازمان‌دهی ۰/۹۳ را گزارش کرده‌اند.

یافته‌ها

جدول (۱) شاخص‌های توصیفی کمال‌گرایی، دلبستگی و خودپنداره

عنوان متغیر	تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
دلبستگی	۳۶۰	۴۸/۱۶	۴۸	۱۰/۹۳	۲۶	۹۰
کمال‌گرایی	۳۶۰	۱۲۴/۸۶	۱۲۴	۱۷/۳۲	۸۱	۱۹۰
خودپنداره	۳۶۰	۱۷۸/۸۶	۱۷۸	۱۸/۶۷	۱۲۷	۲۵۲

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده در جدول (۱) میانگین خودپنداره ۱۷۸/۸۶ و انحراف معیار در این گروه برابر ۱۸/۶۷ می‌باشد و این نشان از این موضوع دارد که بیشترین پراکندگی نسبت به میانگین در داده‌های خودپنداره می‌باشد و کمترین پراکندگی مربوط به دلبستگی با میانگین ۴۸/۱۶ و انحراف معیار ۱۰/۹۳ است.

جدول (۲) نتایج آزمون همبستگی متغیرهای پیش‌بین با خود پنداره

متغیر	خودپنداره	سطح معنی‌داری
۱ دلبستگی	۰/۱۴	۰/۰۰۵
۲ کمال‌گرایی	۰/۳۲	۰/۰۰۰
۳ دلبستگی ایمن	۰/۱۵	۰/۰۲
۴ دلبستگی نایمن	-۰/۲۰	۰/۰۳
۵ کمال‌گرایی مثبت	۰/۱۰	۰/۰۴
۶ کمال‌گرایی منفی	-۰/۱۸	۰/۰۱

رابطه‌ی بین متغیرهای پیش‌بین و خودپنداره با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی شد. تحلیل‌های مقدماتی انجام شد تا از عدم‌تخطی از مفروضه‌های بهنجاری، خطی بودن و همگنی پراکنش اطمینان حاصل شود. نتایج نشان داده‌شده در جدول (۲) نشان می‌دهد که همبستگی مثبت و معناداری بین کمال‌گرایی، دلبستگی با خودپنداره وجود دارد. همچنین همبستگی مثبت بین دلبستگی ایمن و خودپنداره و همبستگی منفی بین دلبستگی نایمن و خودپنداره وجود دارد. کمال‌گرایی مثبت و خودپنداره همبستگی مثبت و کمال‌گرایی منفی و خودپنداره همبستگی منفی را نشان داد.

جدول (۳) نتایج آزمون هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین

عنوان متغیر	ضریب تلورانس	عامل تورم واریانس
نوع دلبستگی (ایمن و نایمن)	۰/۸۱	۱/۲۲
نوع کمال‌گرایی (مثبت و منفی)	۰/۹۲	۱/۰۷

از آنجایی که برای تمام متغیرهای پیش‌بین شاخص تحمل کمتر از یک و عامل تورم واریانس که نمایانگر خطای استاندارد ضرایب رگرسیون است کمتر از ۱۰ (در برخی منابع کمتر از ۵) به دست آمد، بنابراین مفروضه عدم هم خطی چندگانه برقرار است.

جدول (۴) نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندمتغیره

متغیر وابسته	مدل	مجموع مجزورات	df	MS	F	R	R ²	P	DW
خودپنداره	رگرسیون	۲۲۴۸/۶۹	۲	۱۱۲۴/۳۴	۳/۲۶	۰/۱۳	۰/۰۱۸	۰/۰۰۰	۱/۸۴
	باقیمانده	۱۲۲۹۷۴/۶۳	۳۵۷	۳۴۴/۳۹					
	کل	۱۲۵۱۹۶/۳۳۱	۳۵۹						

تحلیل رگرسیون چند متغیره استاندارد جهت پیش‌بینی خودپنداره انجام شد، داده‌های به‌دست‌آمده از جدول (۴) نشان می‌دهد که ۱۳ درصد از خودپنداره توسط متغیرهای پیش‌بین تبیین شده است. با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵، مدل از نظر آماری معنادار است. مقدار آماره دوربین واتسون برابر است با ۱/۸۴ که استقلال اجزای خطا در مدل برازش شده رگرسیون در این تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول (۵) تعیین سهم خودپنداره فرزندان

مدل	متغیر ملاک	B	انحراف استاندارد	β (ضریب بتا)	t	سطح معناداری
ثابت		۱۷۲/۷۳	۳/۲۱		۵۳/۶۶	۰/۰۰۰
سبک‌های دلبستگی		۳/۵۲	۲/۳۷	۰/۰۷۸	۱/۴۸	۰/۱۳
کمال‌گرایی		۱/۸۰	۰/۸۸	۰/۱۰۷	۲/۰۴	۰/۰۴

با توجه به نتایج جدول (۵) در تعیین سهم سبک‌های دلبستگی در خودپنداره فرزندان با علامت مثبت، ضریب سبک‌های دلبستگی نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی نقش مستقیمی در خودپنداره فرزندان دارد؛ اما با توجه به سطح معناداری این متغیر (بیشتر از ۰/۰۵) این رابطه معنادار نیست و همچنین ضریب کمال‌گرایی نشان داد که رابطه مستقیم و معناداری با خودپنداره فرزندان دارد.

نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن والدین و خودپنداره فرزندان همبستگی مثبت و بین سبک دلبستگی ناایمن والدین و خودپنداره فرزندان همبستگی منفی وجود دارد و کمال‌گرایی مثبت والدین با خودپنداره فرزندان همبستگی مثبت و کمال‌گرایی منفی والدین با خودپنداره فرزندان همبستگی منفی دارد. در حقیقت مادرانی که دلبستگی ایمن و کمال‌گرایی مثبت دارند فرزندان خودپنداره بالاتری دارند. با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت: دلیل عمده ایجاد خودپنداره را باید در رابطه فرد با جامعه‌اش، به‌خصوص در دوران پراهمیت کودکی و نوجوانی، جستجو کرد. پدید آمدن خودپنداره، رفتار و واکنش دیگران نسبت به فرد، به‌خصوص کودک، است که این را نظریه «آینه خود شما»^{۲۰} می‌نامند. (کولی^{۲۱}، ۱۹۰۹). نظریه مذکور معتقد است: اگر برای دیدن خود، به واکنش‌های دیگران توجه کنیم، تصویر خود را در آن واکنش‌ها می‌بینیم. بسیاری از تحقیقات حاکی از این مطلب هستند که تصویر و پنداره هر فرد از خود وابسته به تصویری است که دیگران از او داشته‌اند و حتی در حال حاضر هم تصویر دیگران از یک فرد می‌تواند ارزیابی و تصویری را که او از خود دارد، تغییر دهد. والدین یکی از منابع شکل‌گیری خودپنداره و احساس ارزش نسبت به خود، کودکان و نوجوانان هستند، شاید بتوان گفت این تأثیر از روابطی که والدین با فرزندان خود دارند و شیوه‌های فرزندپروری آنها و یادگیری مشاهده‌ای که فرزندان از طریق تقلید و مشاهده و الگوبرداری و سرمشق‌گیری از والدین دارند صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد در دوره نوجوانی عوامل و متغیرهای مختلف بر تشکیل خودپنداره نوجوانان تأثیرگذار است که با توجه به تأثیرپذیری زیاد نوجوانان از گروه همسالان می‌توان بر اهمیت و جایگاه گروه همسالان تأکید کرد. همچنین شاید بتوان این‌گونه نتیجه گرفت که والدگی تأثیر کم‌رنگ‌تری نسبت به گذشته در تربیت فرزندان دارد و برای داشتن فرزندان سالم لازم است نقش سایر متغیرها مانند همسالان، عوامل آموزشی، رسانه‌های جمعی را نیز در نظر گرفت.

²⁰-Looking glass self²¹-cooley

منابع و مراجع

- [۱] آرمین، م، سهرابی، ن، & کاظمی، س. (۱۳۹۰). رابطه ابعاد کمال‌گرایی والدین با عزت‌نفس و خودکارآمدی فرزندان. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۲(ویژه‌نامه)، ۲۸-۱۵.
- [۲] آقامحمدیان شعرباف، ح، زارع زاده خیبری، ش، حکم‌آبادی، م، & حروف قناد، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین ابعاد کمال‌گرایی با عملکرد جنسی زنان نابارور. مجله زنان مامایی و نازایی/ایران، ۱۷(۹۷)، ۹-۱۷.
- [۳] آقا یوسفی، علیرضا و دیگران؛ روانشناسی عمومی، انتشارات دانشگاه پیام نور سال ۱۳۸۶؛ صفحات ۲۴۰ تا ۲۳۹.
- [۴] اسماعیلی فارسانی بهمن. بررسی ارتباط بین خویشتن‌پنداری و رضایت از زندگی زنان دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و آزاد اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی/ارشد (رشته مشاوره). تهران، دانشگاه تربیت‌معلم، دانشکده علوم تربیتی. سال ۱۳۷۴
- [۵] بشارت، م، جوشن لو، م، & میرزمانی، س. (۱۳۸۶). رابطه سبک‌های دلبستگی و کمال‌گرایی دانشور، کارشناسی/ارشد پایان‌نامه ۱۴(۲۵)، ۱۱-۱۸.
- [۶] برک، لورا؛ روانشناسی رشد، ترجمه یحیی سید محمدی، انتشارات ارسباران ۱۳۹۰
- [۷] بهادری خسروشاهی، ج، هاشمی نصرت‌آباد، ت، & بیرامی، م. (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های دلبستگی و تاب‌آوری با گرایش به مصرف مواد فصلنامه اعتیاد پژوهی مصرف‌مواد، ۱۴(۴)، ۱۷-۳۰.
- [۸] بی‌طرف، ش، شعیری، م، ر، حکیم جواد، م. (۱۳۸۹). هراس اجتماعی، سبک‌های والدگری و کمال‌گرایی. روانشناسی تحولی روانشناسی ایرانی پایان‌نامه کارشناسی/ارشد. ۷(۲۵)، ۷۵-۸۲.
- [۹] پارسا، محمد؛ زمینه نوین روانشناسی، تهران، بعثت ۱۳۸۳.
- [۱۰] حاجی سید تقی تقوی، ز، & پیوسته گر، م. (۱۳۹۴). مقایسه سطوح کمال‌گرایی مادر با پیوند والدین. مطالعات روان‌شناختی نامه کارشناسی/ارشد، ۱۱(۲)، ۴۷-۶۶.
- [۱۱] چناری، م. (۱۳۸۷). مقایسه خودپنداره دانش‌آموزان واجد والدین دارای نگرش‌های تربیتی مثبت و منفی با توجه به جنسیت دانش‌آموزان. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۲(۴)، ۹۱-۱۱۰.
- [۱۲] شریفی درآمدی، پرویز، نیکنام، ماندانا، گیوه‌چی، الناز، بررسی رابطه کمال‌گرایی مادران و دختران: پدیده انتقال بین نسلی، فصلنامه خانواده پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۰.
- [۱۳] صفایی، ص. (۱۳۸۹). رابطه خودپنداره مادر با سبک دلبستگی و خودپنداره فرزند سمنان: پایان‌نامه کارشناسی/ارشد. دانشگاه سمنان؛ ۱۳۸۹.
- [۱۴] کدیور، پروین، روانشناسی تربیتی تهران، سمت ۱۳۸۵. چاپ نهم، صفحه ۱۲۸.
- [۱۵] کرین، ویلیام، نظریه‌های رشد، ترجمه غلامرضا خوی نژاد، انتشارات رشد ۱۳۹۲
- [۱۶] نجار، ز. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط سبک‌های دلبستگی دینی و سلامت روانی دانشجویان ایرانی با سبک‌های دلبستگی والدین خود. (دکتری روانشناسی)، دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه کارشناسی/ارشد. تهران.
- [۱۷] نویدیان علی سالار علیرضا. بررسی رابطه احساس بیگانگی و خودپنداری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان در سال تحصیلی ۷۸-۷۹ پایان‌نامه کارشناسی/ارشد. طب و تزکیه، ۱۳۸۰؛ شماره ۴۳، صفحات ۱۰ تا ۱۹.
- [۱۸] نوروزی، اسدالله، ۱۳۹۱، رابطه کمال‌گرایی و کیفیت زندگی با اهمال‌کاری تحصیلی دانشجویان دانشگاه اشراق شهر هرات، پایان‌نامه کارشناسی/ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- [۱۹] واحدی، ش، & مرادی، س. (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های دلبستگی پدر و مادر با سازگاری هیجانی، رفتاری و اجتماعی در دانشجویان غیربومی سال اول اصول بهداشت روانی. پایان‌نامه کارشناسی/ارشد ۱۱(۳)، ۲۲۳-۲۳۲.
- [۲۰] ولی نوری ابوالفضل. رابطه بین احساس بیگانگی و خودپنداره. پژوهش‌های روان‌شناختی، ۱۳۷۳؛ دوره ۳، شماره ۱ و ۲، صفحات ۲۰ تا ۳۱.
- [21] Blatt S. J. (1995). The destructiveness of perfectionism. Implications for the treatment of depression. *Am Psychol*, 50(12), 1003-1020.
- [22] Cooper smith, S. (1967). The antecedents of Self-esteem. San Francisco. W.H. Freeman
- [23] Davis, C. (1997). Normal and neurotic perfectionism in eating disorders: An interactive model. *International Journal of Eating Disorders*, 22(4), 421-426. doi: 10.1002/(SICI)1098-108X(199712)22:4<421:AID-EAT7>3.0.CO;2-O

- [24] Frost R O, Marten P A, Lahart C, & Rosenblate R. (1990). The dimensions of perfectionism. *Cognitive Therapy and Research*, 14, 449-468.
- [25] Lowell S, & Limke A. (2009). Adult Romantic Attachment and Types of Perfectionism *Journal of Scientific Psychology*, 18-23.
- [26] Naderi S, Bagheri M, Darekordi A, & Sardouei Gh. (2014). The relationship between maternal attachment styles and adjustment of students according to the educational level of parents. *Journal of Personality & Individual Differences*, 3(5), 105-123.
- [27] Niknam Marziyeh, Fararoui Mohammad, Kamkar Ali, Fouladi Narges, & Mohamadi Ali. (2012). Comparison Of Perfectionism In People Who Have Cosmetic Rhinoplasty Surgery And Control Group In Yasouj City. *Payavad Salamat Journal*, 6(1), 52-60.
- [28] Parker WD, & Adkins KK. (1995). A psychometric examination of the multidimensional perfectionism scale. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 17(4), 323-334.
- [29] Parker, W. D. (1997). An empirical typology of perfectionism in academically talented children. *American Educational Research Journal*, 34(3), 545-562.
- [30] Pishva, N., & Besharat, M. A. (2011). Relationship Attachment Styles with Positive and Negative Perfectionism. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 402-406.
- Rahmanian Z, Mirzaian B, & R, H. (2012). The Relationship between Social Anxiety and Self-concept among Fifth Grade Female Students in Jahrom, Iran. *J Kerman Univ Med Sci*, 19(5), 502-510.
- [31] Saraswat,R. (1984). *Self-concept Questionnaire*, National psychological cooperation, India.
- [32] Stackert, R. A., & Bursik, K. (2003). Why am I unsatisfied? Adult attachment style, gendered irrational relationship beliefs, and young adult romantic relationship satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 34(8), 1419-1429
- [33] Zarezadeh-Kheibari Sh, Rafienia P, & Asghari-Nekah M. (2014). The Effectiveness of Expressive Art Group Therapy on Increasing Behavioral and Emotional Components of Self-Concept of Children in Family-Like Community Centers. *Journal of Clinical Psychology*, 6(2), 41-52.